

جنایتکاران حرفه‌ئی و بنیادگرا سر از یخن کمیته ۳۰۰ میکشند

خواننده گان محترم !

اصل کتاب (کمیته ۳۰۰) اثر یک نویسنده انگلیسی به نام جان کولمن میباشد که درین سالهای انتشار یافته است. اخیراً یک تن از اعضای حزب اسلامی گلبدین به نام داکتر حقیقت (عشق) این کتاب را به نام (کتاب درجه اول دنیا) تغییر نام داده، آنرا اثر خود پنداشته و خویشان را نویسنده آن معرفی میکند. کتاب کمیته ۳۰۰ (جان کولمن) جاسوس انگلیس، دام سازمانهای جاسوسی و طرح های غارتگرانه دولتهای استعماری ممالک پیشرفته علیه کشور های عقب مانده بوده که آقای (عشق) با ایزاد گروه های افراطی و بنیادگرایان این جبهه را بیشتر ضد بشری ساخته و با معرفی چهره هایی شیطانی مسلمانان تندرو نباهی و بربادی بشر و افغانستان را محتوم ساخته است. اصل کتاب " کمیته ۳۰۰ " اثر جان کولمن سالها قبل توسط آقای یحیی (شمس) ایرانی از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. کار جدید آقای (عشق) در مورد این کتاب کمیته جواسیس ۳۰۰ صرف تعویض بعض از عناوین کتاب متذکره، نصب فوتوهای گروهک بدنام افراطی و آدمکش پیروان سید قطب مصری در آن و معلومات ناقص بی ربط و سر و پا کنده از کشورها و خصوصیات رهنانه بادران اروپایی و امریکایی شان میباشد و بس. محتوی آن هذیان گوئی آقای (عشق) و چرندیات و لاطائلات محض او بوده و توهین به امر مقدس نویسندگی است. آیا میشود که با همین جعل و تغییر نام کتاب وی آنرا اثر خود جا زد؟

آقای داکتر حقیقت (عشق) ! از آنجاییکه نویسندگی یک امر پرمسئولیت و سترگ است، از خود پرسیده اید که قبل ازین هم به نوشتن کدام مقاله و یا داستان کوچک برای آموختن امر عظیم نویسندگی تمرین نموده و مبادرت ورزیده باشید. زیرا نوشته (کتاب درجه اول دنیا) به سطح بسیار نازل مملو از اشتباهات املائی و جمله بندی های غلط از نظر دستور زبان تحریر گردیده است که بیانگر سطح پائین ادبی و نویسندگی بدوی تان میباشد. از کلمه اول انگلیسی که باید Concentration هدف تان بوده و از بی باکی و بیسوادی (Consetration) غلط نوشته شده است تا اخیر کتاب تان صدها بار غلطی های املائی، تخنیکی و دستور زبان بطور فاحش و از موی سرت بیشتر تکرار شده تا حدی که حوصله خواننده را گرفته و تهوع آور شده است. توجه دوستان را به چند نمونه از چرندیات و هذیانگوئی آقای (عشق) معطوف میدارم تا خوانندگان محترم خود قضاوت کنند که به همین سطح نازل سواد این آقا صلاحیت نویسندگی را از کجا کسب نموده تا اثری مضحک را به نام (کتاب درجه اول دنیا) به رشته تحریر بیاورد و بدون تصدیق کدام مرجع مسؤول و توافق کدام کمیته ای از نویسندگان، دزدانه و با وساطت در افغانستان بی پرسان برای جمع آوری پول گراف و اغوا ی خوانندگان صرف به عنوان کتاب از طریق تلویزیون آریانای آقای انجنیر احسان الله (بیات) اعلان و به فروش میرساند. ناگفته پیداست که تا کسی آنرا نخواند اصلاً فریب عنوان آنرا خورده و از محتوی پوچ آن چیزی نمیداند.

عده ای از هذیان و اشتباهات آقای (عشق) قرار آتیسیت :

1. در صفحه ۶۴ با ادبیات نوع خاص خودش نوشته (داود خان احمق و مستبد که از خواست و تصمیم خداوند ناآگاه بود توسط پرچمی ها و خلقی ها که همکاران حکومتش بودند خودش را با خانواده اش در ارگ شاهی مردار میکند و به قتل میرساند .
2. این نویسنده درافشان در صفحه ۴۵ باری در مورد کارل مارکس چنین ابراز نظر میکند (مارکس یک فرد عقده مند و صیهونیست یعنی ضد دین و از قوم کثیف اشکنازی پهلود بوده که شاگرد و پیرو چالس داروین انگلیس است و همچنین ابراز میدارد که محصلین افغان که برای تحصیل به اتحاد شوروی رفته بودند آنها را ناآگاه، احمق، وحشی و آدمکش خطاب میکند. آقای داکتر حقیقت (عشق) شیوه ادبی کوبیدن مخالفین فکری اش را بلد نیست، صفحات کتاب را هم کوچه و بازار پنداشته و مخالفین اش را با دشنام ، قمه و چاقو میکوبد.
3. در صفحه ۳۲ ظاهر شاه را یکی از اعضای سلطه کمیته ۳۰۰ میداند.
4. در صفحه ۳۳ ظاهرشاه را عامل قتل عبدالرحیم نیازی میداند و اظهار میدارد که او توسط یکی از داکتران کابل بنام عبدالفتاح (نجم) در شفاخانه علی آباد کابل میخواهد نیازی را با خوردن مواد کیمیائی و تزریق زهر از بین ببرد و متذکر میشود که پیش از آنکه نیازی بمیرد جوانان مسلمان متوجه میشوند و او را به هندوستان میفرستند. وقتی طیاره وی پرواز نمود موصوف به اثر توطئه ظاهرشاه در داخل طیاره به شهادت میرسد.
5. آقای (عشق) در صفحه ۷۴ بنیان گذاران جهاد را معرفی میکند و احمدشاه مسعود را در پنجشیر بنیان گذار معرفی نموده و میگوید این دروغ محض احمد شاه مسعود است که بنیانگذار جهاد بوده و در مورد احمدشاه مسعود مانند سایرین عفت کلام را مراعات ننموده و به فحش و دشنام متصل میشود که علاوه به کم سوادی اش بی تربیه گی و لومپن منشی همیشه گی اش را که عادت همه شان است به نمایش میگذارد. او میگوید بصورت عموم در افغانستان دو

تن بنیانگذار جهاد بودند و میافزاید که اگر افغانستان را دو نیم کنیم در شمال داکتر محمد عمر و در جنوب گلب الدین (حکمتیار) بوده و بس و حتی گستاخانه ادعا میکند که افغانسنان یک مؤرخ دارد که آنها آقای حلیم (تنویر) میباشد. البته از مرحوم غلام محمد غبار طی یک جمله کوتاه یاد آور میگردد.

6. نویسنده در مورد جامعه هالند اظهار نظر کرده، آنرا جامعه مفلوک، مملو از مفاصد اخلاقی و جامعه هم جنس باز معرفی میکند ولی به داشتن پاسپورت این کشور بگفته خودش (فاسد) مباحثات هم میکند.

7. القاب آقای (عشق) :

8. داکتر حقیقت (عشق) خود را داکتر علوم ضد مابند کنترل اروپا و امریکا - کارشناس علوم سیاسی جهان، تیورین علوم سیاسی، استاد و بنیانگذار تیوری از بین بردن و نابودی خانواده های سلطنتی اروپا و امریکا و سازمانهای جاسوسی آن، استاد تکواندو، پسر با استعداد با هوش و فهمیده جا می زند. موصوف با این القاب و اندوخته های اکادمیک باید در نوشتن اثر بی محتوی (کتاب درجه اول دنیا) توجه میکرد که آنرا عاری از اشتباهات املائی و انشائی می نوشت تا خوانندگان اگر از پوچی محتوی آن شاک می بودند حد اقل اوقات عزیز شانرا به اصلاح و یادداشتهای غلطی های املائی و انشائی ضایع نمیکردند. تازه معلوم نیست که داکتر حقیقت (عشق) واقعاً از کدام یونیورسیتی فارغ شده و درجه تحصیلاتش چه است. (کتاب درجه اول دنیا) از نظر ادبی و شیوه و روش نویسنده و مضمون یک اثر ناقص و میان تهیست و بر کم سوادی نویسنده دلالت میکند.

9. طرح دایهانه آقای داکتر حقیقت (عشق) برای اضمحلال و نابودی کمیته ۳۰۰ :

- کمپوتر های شان باید فلج شود.
 - آب شان آلوده با مواد ویروسی و یا کیمیائی شود.
 - غذای شان به عین شکل با مواد ویروسی و یا کیمیائی آلوده شود.
 - جلو واردات بنزین را به این کشورها باید گرفت.
10. از انجائیکه کمیته ۳۰۰ نمایش یک شبکه ای از جنایتکاران از کشورهای درنده خوی نظام ترور و دحشت افکن سرمایه داریست که با ایجاد این ارگان خطرناک کمیته ۳۰۰ مرکز غارت جهان طراحی گردیده است. بدیل دیگری ازین کمیته ۳۰۰ حلقات اسلامی افراطیون و بنیادگراها تحت رهبری گروه ارادل و اوباش چون موسی شفیق، سید محمد قطب عقبگرای مصری، عبدالرحیم نیازی، حبیب الرحمن، شرارت افکن گلب الدین (حکمتیار)، حلیم تنویر و داکتر عمر و غیره اند که در کشتار جنایات و نوکرمنشی و ستم بر مردم و توطئه و نقبتین علیه ملت مظلوم افغانستان دست کم از کمیته ۳۰۰ را نداشته و ندارند. در حقیقت این مشت اشرار روی دگر سکه سیاه و ننگین همین کمیته ۳۰۰ را تشکیل میدهند. چنانچه سروده حکیمانه مولانای بزرگ بلخ برای اثبات این وجوه مشترک گواه شایسته درین زمینه است که :

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

11. نمونه دیگری از این گروه خودکش و بیگانه پرور را میتوان در وجود ستم پیشه گان و عمال اجانب سران دژخیم جهادی چون سیاف، ربانی، فهیم، مزاری، دوستم، قانونی، محقق، خلیلی، عبدالله عبدالله، باند انوارالحق (احدی) افغان ملتی و غیره یافت که ویرانی کابل، فرار و کشتار مردم بی دفاع میهن گواه انکار ناپذیر این ادعاست. این گروه فتنه انگیز در پستی، وطنفروشی و وابستگی شان به دولتهای فاسد ایران، پاکستان، کشورهای استعماری غربی و عربی و زدنی رهبری جهاد و مقاومت مردم قهرمان افغانستان دستان قاتلین خلق و پرچم را از عقب بستند و جنایت کاران خلق و پرچم را برائت دادند و به حکم تاریخ به اصل خویش که پشت سکه ۷ ثور باشد پیوستند و ۸ ثور بد نام را رقم زدند. شما که کمیته رسوای ۳۰۰ تانرا میکوبید، تیزاب پاشی دیروز تان را بالای دختران محصل در محیط پوهنتون کابل، ترور و کشتار جوانان و محصلین و روشنفکران متعهد و شریف و قتل مرحوم سیدال (سخندان) توسط گلب الدین قاتل که لومپنانه به ضرب قمه و چاقو در جریان گفتگوها وی را به شهادت رسانید، فراموش نموده اید؟ شما که در ۳۵ سال اخیر با دریافت امکانات مالی و نظامی با داران کمیته ۳۰۰ اروپائی و امریکائی تان امرار حیات مینمائید و به پشتیبانی و امکانات آنها و قاچاق مواد مخدر به کشتار مردم و رقابت های بین ذاتی هم قطاران تان بطور هژمونستی برای انحصار قدرت در کشور ویران شده جنگ و وحشت را ادامه میدهید و با عملیات غیر انسانی انتحاری و تروریستی تان دسته دسته اطفال، زنان و مردان رابه خاک و خون میکشانید چگونه خود را مخالف کمیته ۳۰۰ می پندارید؟ امروز با پخش این اثر (کتاب درجه اول دنیا) میخواید دوباره مردم را اغواء نمائید و چهره زشت و رسوای تانرا در پشت کتاب پنهان نمائید. پخش این کتاب بی محتوا ارزش این قیمت گران یکصد یورو را نه تنها که نداشته، بلکه پرده برداشتن از روی اعمال شوم همقطاران تان شمرده میشود که عبارت از زدنی، رهنی و دریدن جیب مردم است.

بهر رنگی که خواهی جامه میپوش من از طرز خرامت میشناسم

همچنان از تلویزیون آریانای کابل دوستانه تقاضاء بعمل میآید تا اعلان این کتاب بی محتوی و ناقص را متوقف سازد.

آقای داکتر حقیقت (عشق)! این نشریه ای غیرادیبانه، مضحک و مسخره آمیز ات را هر چه زود جمع آوری کن و دامن رسوائی ات را بیشتر بالا مکن! به ترک خاک هالند که بفرموده خودت (جامعه فاسد) است هر چه عاجل اقدام کن و آقای حلیم (تنویر) را نیز متقاعد بساز که خانه های را که با پولهای گدائی به نام کمک به مجاهدین افغان در دوران تجاوز قشون سرخ اتحاد شوروی سابق در هالند خریده بود، دوباره فروخته و با خودت یکجا ازین کشور که بگفته خود تان (هم جنس باز) است، خارج شوید تا در پنجه قانون این کشور نیفتید. برای شما افراد باصطلاح مؤمن لازم است تا دوباره به افغانستان برگشته به اصلاح گروه ها و سران جهادی دولتی آدمکش، قاچاقیان مواد مخدر و مافیائی ها و دسته های جنایتکار انتحاری حزب اسلامی آقای حکمتیار، طالبان بی فرهنگ و نوکران آی - اس - آی پاکستان و سازمانهای جاسوسی ایران و سایر گروه های وابسته به القاعده و لواطت کار تان بپردازید تا ملت مظلوم از شر این باند های سیاه، کثیف و فتنه انگیز نجات یابد.